

........محمدصابر جعفری


بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی انکاری، انتظار ستیزی

نویسنده:

محمد صابر جعفری

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدی انکاری، انتظار ستیزی

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: جعفری، محمدصابر

عنوان و شرح مسئولیت: مهدی انکاری، انتظار ستیزی [منبع الکترونیکی] / محمدصابر جعفری

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۲۷ بایگانی: 99.4KB)

موضوع: انتظار منجی

ظهور منجی

مهدویت

تحریف

اسلام

مقدمه

اعتقاد به مهدویّت و انتظار منجی مصلح، تحرک بخش و مقاومت آفرین است؛ زیرا فرد منتظر از احساس حضور امام، امید و نشاط می گیرد و برای برپایی حق، مبارزه و مجاهدت می کند. از این رو، ستیز با این تفکر، برای دشمن، امری حیاتی و استراتژیک است.این نوشتار، عهده دار تبیین شیوه‌های دشمن در ستیز با ایده‌ی مهدویّت و انتظار، از «انکار» و «تحریف» و «تخریب» و «جایگزینی» است.نویسنده، برای نمونه، فیلم «پیشگویی‌های نوسترا داموس» را با تأمّل و تعمّق در اشعار او و تفسیرهای آن، مورد تحلیل جدّی قرار داده است.تبیین آثار و پیامدهای مهدی باوری و انتظار، انسان را متقاعد می کند که مبارزه و ستیز با این تفکّر، برای دشمن، استراتژیك و ضروری است و ذکر نمونه‌های عینی، به وضوح می‌رساند که دشمن، به ضرورت مطلب، پی برده، لذا از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزد.ما، در این نوشته. به دنبال ارائه‌ی تمام شیوه‌ها و روش‌های دشمن در قبال مسئله‌ی انتظار و مهدی باوری نیستیم. چنین امری، نه در سطح علم و تحقیقات ما است و نه با توجّه به اختاپوس اطّلاعاتی دشمنان، به راحتی، پی بردنی است.هدف ما، اعلام جدی بودن مبارزه دشمنان با مقوله‌ی مهدویّت است تا درپرتو آن، به شیوه‌ها و روش‌ها دقیق‌تر بیندیشیم و بدون سهل انگاری در آن، تأمّل بیش‌تری کنیم، «تا در نقطه‌ی مقابل تلاش دشمن، در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویّت، حرکت کنیم». [۱] .

آثار انتظار و امید

گفتنی است، جدای از آثار مهدی باوری، صِرْف انتظار و امید، خود، دارای نتایجی بس مثمر ثمر است.نهرو گوید:در دنیایی که پر از کشمکش و نفرت و خشونت است، اعتقاد بستن به سرنوشت انسانی، ضروری‌تر از هر زمان دیگر است... هرگاه، آینده‌ای که ما برای آن کار می کنیم، سرشار از امید برای بشریّت باشد، نا به سامانی‌های دنیوی کنونی، چندان اهمیّتی ندارد و کار کردن برای آن آینده، دارای حقانیّت است. [۲] .گوستاولوبون گوید:بزرگ‌ترین خدمتگزاران عالم بشریّت، همان اشخاصی هستند که توانستند بشر را امیدوار نگه دارند... [۳] .آری، اگر امید به آینده و انتظار، از جامعه‌ی بشری رخت بربندد، زندگی، دیگر مفهومی نخواهد

داشت. حرکت و انتظار، در کنار هم بوده و از هم جدا نمی‌شوند. انتظار، علّت حرکت و تحرّک بخش است. [۴] .یأس و بدبینی، نظام زندگی را از هم می‌پاشد و آثار زهر آگینی برای بشر به بار می‌آورد. در مقابل، امید، نه تنها میل شخصی را برای انجام کار، بلکه توانایی او را نیز در انجام کار زیاد می‌کند.با یأس و ناامیدی، نوع دوستی و فلسفه‌ی خدمت به خلق، از میان می‌رود و جای خود را به خودپرستی می‌دهد؛ زیرا، هنگامی که ا مید به زندگی بهتری نباشد، خدمت، به نوع و از خودگذشتگی، چه سودی دارد؟از دیگر آثار بد یأس از آینده، تن دادن به وضع موجود است؛ چون، همه‌ی تلاش، برای فردای بهتر است. در این جوامع [جامعه‌های مأیوس]، هر چه هست، گرایش به فساد و رذیلت است؛ زیرا، هنگامی که فرد، از پدید آوردن راستی و درستی، سرخورده و نومید گشت، خواسته‌ها و نیازهایش، از سوی دیگر، سربرمی آورد و آن نیازها، در جای دیگر، مانند فساد و مواد مخدر و... اشباع می‌شود.آری، لاأُبالیگری، پازدن به همه‌ی اصول زندگی، از نتایج نومیدی است. از سوی دیگر، یأس، خود، شکست است. کم‌تر کسی از خودِ شکست، شکست خورده است، بلکه غالباً قبول شکست است که منجر به شکست می گردد. هنگامی شکست خورده‌ایم که باور کنیم شکست خورده‌ایم؛ زیرا، شکست، از درون شروع می‌شود و از طرز تفکّر و اراده‌ی شخص. به همین دلیل، اسلام، با یأس و ناامیدی مبارزه کرده و آن را در حکم کفر قرار داده است. [۵] .«انتظار، ضد یأس و ناامیدی است. آن که امید دارد، حیات را خوش دارد و نقایص زندگی را برطرف کرده و به سوی آینده قدم بر می‌دارد و روز خود را از روز دگر بهتر می‌سازد.در انتظار، امید به آینده‌ی محقّق الوقوع موجود است. چنین امیدی، همه‌ی رنج‌ها و مشقّت‌ها را آسان می‌سازد و انسان، خودش به خودش، مژده می‌دهد.خردمندان بشر، برای رسیدن به آینده‌ی احتمالی، کوشش‌ها می کنند و رنج‌ها می‌برند و این رنج‌ها را در کام خود شیرین می‌دانند. حال، اگر آینده، محقّق الوقوع باشد، انتظارش، روح ا فزا و دل‌پذیر خواهد بود» [۶] .

ثمرات مهدی باوری

حال، با این توضیحات، به آثار و پیامدهای انتظارِ منجی مصلح و مهدی باوری می‌پردازیم تا در پرتو آن، علل ستیز دشمنان روشن گردد. پیامدهای انتظار فرج و چشم به راه مصلح جهانی بودن علاوه بر عدم یأس و ناامیدی: ۱- خودسازی فردی و اجتماعی است ۲- منحل شدن در فساد محیط ۳- پایداری در برابر رهبری‌های فاسد و مبارزه‌ی با فساد ۴- نپذیرفتن ستم است. [۷] .بالاخره این که:ایمان و اعتقاد به ا مام زمان (ع) مانع از تسلیم شدن است و ملّت‌های با ایمان که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می کنند، از حضور او، امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند. با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد» [۸] .جیمز دار مستر می گوید: «قومی چنین را [که هر لحظه منتظر ظهور است و...] می‌توان کشتار کرد، امّا مطیع نمی‌توان ساخت.». [۹] .در کنفرانس «تل آویو» [۱۰] ، در بحث مبارزه با تفکّر مهدی باوری، ابتدا، امام حسین و بعد امام زمان را مطرح و هر دو را عامل پایداری شیعه می‌دانند؛ نگاه سرخ و نگاه سبز.در این کنفرانس که افرادی شیعه شناس و سرشناس، مانند برنارد‌لوییس و مارتین کرامر و... حضور داشتند، این دیدگاه مطرح می‌شود که شیعه به اسم امام حسین‌علیه السلام و با امام زمان(عج) قیام‌شان را حفظ می کنند. [۱۱] .فهمی هویدی در کتاب ایران من الدخل کلید فهم تحقّق انقلاب ایران را در واژه هایی، مانند ولایت فقیه، مرجعیّت، تشیّع و امام غایب، غیبت کبرا و غیبت صغرا می‌داند.حامد الگار در کتاب انقلاب اسلامی در ایران، ریشه‌ی انقلاب اسلامی ایران را به موضوع امامت از دیدگاه شیعه و مسئله‌ی غیبت امام زمان و پیا مدهای سیاسی آن می‌داند. [۱۲] .با این توضیحات، طبیعی است که دشمنان، مسئله‌ی مهدویّت را در تقابل با خویش بدانند و در مقابل آن، صف‌آرایی کنند و حتی به این مسئله اذعان کنند.نمونه‌ی اول: در گزارش گروه‌هایی که به ظاهر، مبلّغ مسیحیت اند و در باطن، جاده صاف کن و عاملان ورود استعمارگران اروپایی به کشورهای اسلامی، نکات قابل توجّهی به چشم می‌خورد. در گزارش ذیل که مربوط به گروه‌های تبلیغی در شمال

آفریقا و خطاب به هیئتی که مسئول رسیدگی به این کار است، آمده است:یکی از مشکلات ما، در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه‌ی توسن و مغرب، این است که این مردم، اعتقاد دارند که «مهدی موعود» خواهد آ مد و اسلام را سربلند خواهد کرد. [۱۳] .یعنی نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده است، در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم نیست. در آنجا بیشتر ابهامات و کلی گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات در عین حال استعمارگران از این امید می‌ترسند. [۱۴] .نمونه‌ی دوم: در همین کشور خود ما در آغاز روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته پهلوی – آن کودتاگر بی سواد، فاقد هر گونه معرفت و معنویت – یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید: این قضیّه‌ی امام زمان(عج) چیست که مشکلاتی برای ما درست کرده است؟ این آخوند هم طبق میل و دل او، جوابی می‌گوید. آن قلدر، مأموریّت می‌دهد که بروید مسئله را حل و تمام کنید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید. او می‌گوید: «این، کار آسانی نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کم کم و با مقدمات شروع کنیم.» البته، آن مقدّمات، به فضل پروردگار و هوشیاری علمای ربانی و آگاهان این کشور، در آن دوران، ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه‌ی شوم را عملی کنند. در کشور ما یک کودتاچی غاصب، از طرف دانشگاه‌های قدرت استعماری، مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن بدهد و برای این که بتواند بر این مردم مسلّط بشود، یکی از مقدمات لازم‌اش، این بود که عقیده به مهدی موعود(عج) را از ذهن مردم پاک کند. [۱۵] .بنابراین، دشمنان تفکّر و اعتقاد به مهدویّت – که این اندیشه را به زیان خود می‌دانند – همواره، تلاش کرده‌اند تا آن را از اذهان مردم بزدایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویّت را تحریف کنند: [۱۶] .۱- بدین صورت که استکبار جهانی و صهیونیزم در تلاش هستند تا ملّت‌های تحت سیطره‌ی آنان، به وضع تحمیل شده، عادت کنند و آن را رنگی ثابت و ابدی و تغییرناپذیر پندارند.۲- قدرت‌های استکباری، خواهان غفلت و خواب آلوده بودن و نیز عدم تحرک ملّت‌ها هستند. و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند؛ امّا انتظار فرج موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشند و بخواهد به وضعی بهتر و برتر دست پیدا کند. [۱۷] .۳- قدرت جهانی استکبار و صهیونیزم، امروز، با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهر فریب، مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملّت‌ها، برای تحمیل ظلم بر ملّت‌ها و ترویج فساد، دورویی، تزویر و ریاکاری و نفاق در جوامع بشری، تلاش می‌کند. [۱۸] .نتیجه؛ دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالم‌اند، از روز غیبت آن حضرت، بلکه از روز ولادت آن حضرت، تا امروز. آن کسانی که وجودشان با ستم و با زورگویی همراه بوده بر دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده‌ی الهی، با این نور و با این شمشیر الهی مشغول شدند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و این عقیده، مخالف و دشمن‌اند و می‌دانند که این عقیده و این عشق – که در دل‌های مسلمین، به خصوص در دل‌های شیعه است – برای هدف‌های ستمگرانه‌ی آنها مزاحم است. [۱۹] .

روش‌های مبارزه با مهدی باوری

اشاره

دشمن هر امر صحیح و مفیدی را تا آن جا که مقدور باشد، انکار می‌کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن پرداخته و یا در مقابل آن اقدام به جایگزینی می‌نماید. همه‌ی عقاید سازنده مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. دشمنان، سراغ مجموعه‌ی احکام و مقررات اسلام رفتند. هر عقیده و هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است، به نحوی با آن کلنجار رفتند تا اگر بتوانند آن را از بین ببرند و اگر نتوانند روی محتوایش کار کنند. [۲۰]

.دشـمن، می‌توانـد روی عقاید اسـلامی کاری کند که از اسـتفاده مردم خارج شود؟ منتهی نه در کوتاه مدّت بلکه در طول سال‌های متمادی، گاهی دهها سال، زحمت می‌کشـد برای این که بتوانـد یک نقطه‌ی درخشان را کور یا کم رنگ کنـد یا نقطه‌ی تاریکی را به وجود آورد. یکی توفیق پیـدا نمی‌کنـد، دیگری می‌آیـد... روی عقایـد اسـلامی خیلی از این کارها شـده. روی عقیـده‌ی توحیـد، امامت، روی اخلاقیات اسلامی (معنای صبر، توکل، قناعت و...) کار کرده‌اند. [۲۱] .

انکار مهدویت

منظور از انکـار مقـوله‌ی مهـدویّت و انتظـار، ایـن اسـت کـه آن را مقـوله‌ی وارداتی و برگرفته از دیگران و پیامـد نـابه سامانی‌هـا و مشـکلات معرفی کنند. بسیاری از دائرهٔ المعارف‌ها که بایستی مرجعی قابل اعتماد در موضوعات متفاوت باشند، گویی رسالت خود را فرامـوش کرده و اهــداف دیگری دنبـال می‌کننـد.۱- در دائرهٔ المعـارف بریتانیکـا، در واژه‌ی مهــدی و اســلام و زرتشـت آمـده است:اسـلام، دینی نیست که در آن، ظهـوری انتظـار برود و جـایی برای مسیح نجـات‌بخش در آن وجود نـدارد و این همه، به طور تـدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیّت مطرح گردیده است. [۲۲] .قرآن، اشاره‌ای به آن نـدارد. به هیـچ حدیث - گفته‌ی منسوب به پیـامبر(ص) - قابل اعتمادی نیز در مورد مهـدی(ع) نمی‌توان اسـتناد کرد. [۲۳] .۲- در دائرهٔ المعـارف دین و اخلاـق، مارگلی یوت (اسـلام شـناس بزرگ اروپـایی) در مقـاله‌ی خود دربـاره‌ی مهـدی(ع) در سال ۱۹۱۵، ایـن تفکّر را وا رداتی و برگرفتـه از یهــود و مسیحیّت تلقّی می‌کند. [۲۴] .جیمز دارمستر همین نظریه را ارائه می‌دهـد. [۲۵] .۳- موسوعـهٔ المورد، (منیر بعلبکی) در ذیل واژه‌ی، «مهـدی المنتظر»، آورده: «در قرآن و در روایـات نبـوی، هیـچ اشـاره‌ای بـه مهـدی(ع) نشـده اسـت.» [۲۶] .البتــه، پیش از ایـن دایرهٔ المعارف‌ها، افراد دیگری نیز اگر نگوییم مغرضانه، لااقل با عدم تحقیق کافی، مسئله را زیر سؤال برده‌اند. عبدالقاهر بغدادی (۴۲۰ ه. ق مطابق با ۱۰۳۷م) نظریّه‌ی مهدویّت را نظریّه‌ی عاریّتی از یهود دانسـته و بر این افسانه پا می‌فشارد که شیعه و عقاید آنان، برگرفته از عبـدالله بن سـبای یهودی است. [۲۷] (گفتنی است وجود خـارجی عبـدالله بن سـبا، از نظر تـاریخی و روایی، مخـدوش و ساخته‌ی دروغ پردازان و روایت سازان حرفه‌ای است، تا چه رسد به این که منشأ شـیعه و معتقداتی چون انتظار باشد.) [۲۸] .ابن خلدون [۲۹] نیز فقط با بررسی بیست و سه حدیث از انبوه احادیث و نقد نوزده حدیث مسئله‌ی مهدویّت را بی‌پایه می‌داند و... [۳۰] .برخی دیگر از روشـنفکران، مسـئله‌ی مهدویّت را بازتاب نا به سامانی‌ها و حوادث تاریکی که در دوران مسـلمانان، به ویژه شیعه رخ داد، مطرح می‌سازنـد.مارگلی یوت می‌گویـد:درگیری و آتش جنگ در میان یک نسل واحـد، پس از وفات پیامبر(ص) و درهمی و آشـفتگی جهـان اسـلام که بر اثر اختلافات آنان با هم روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور منجی از یهود و مسـیحیان گردیـد که به ترتیب، در انتظـار ظهور و بـازگشت مسیح به سـر می‌برنـد. [۳۱] .بریتانیکـا نوشته است:به نظر می‌رسـد که عقیـده به مهـدی(ع) در دوره‌هـای اغتشـاش و عــدم ا منیّت مـذهبی، بر تحوّلاـت سیاســی...اوایـل اســلام (قرن‌هـای هفتـم و هشــتم میلاـدی) رواج یـافته باشـد. [۳۲] .برناردلوییس، در مقاله‌ی خود به نام شیعه در تاریخ اسلام، در کنفرانس تل آویو می‌گوید:سرکوبی بسیاری از قیام‌ها و ناپدید شدن رهبران آن‌ها، باعث ظهور ویژگی دیگری در دکترین شـیعه شد و موضوعات و مسایلی مانند مسـئله‌ی غیبت و رجعت رهبر شیعیان، حضرت مهدی(ع)، آخرین امام شیعیان، به وجود آمد و این منجی‌گری، تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام و تشیّع شد. [۳۳] .

تحریف

مطالبی که اگر به حقیقت آن‌ها توجه کنیم، تبـدیل به یک موتور حرکت دهنده‌ی جامعه‌ی اسـلامی می‌شود، وقتی دشـمن روی آن کـار کرد، آن را خراب و معنـای آن را عـوض کرده و در ذهن مـا به صـورت دیگری جـا انداختنـد، همین موتـور متحرّک، به یک داروی مخرب و خواب آور تبـدیل می‌شود. [۳۴] .مقام معظم رهبری می‌فرماینـد:بنده، سـندی دیدم که در آن، بزرگان و فرماندهان

استعمار؛ توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که این عقیده به مهدویّت، به تدریج، از بین مردم زایل شود. آن روز، استعمارگرهای فرانسوی و استعمارگرهای انگلیسی، در بعضی جاهای آن مناطق بودند – فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد – استعمارگرهای خارجی، قضاوت‌شان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویّت در بین مردم رایج است، نمی‌توانیم این‌ها را درست بگیریم.وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، سعی می‌کنند آن را در ذهن مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چه گونه است؟ به این صورت که بگویند: «خوب، آقا می‌آید، همه‌ی کارها را درست می‌کند»!این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور متحرّک، به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل یک داروی مقوی به یک داروی مخدّر و خواب آور است. [۳۵] .تبدیل مقوله‌ی انتظار مهدی(ع) که آثار و پیامدهای بسیار شگرف و معجزه آسا و مثبتی دارد، به انتظار منفی و تلخ و ناگوار و این نگرش به انتظار که امر به معروف و نهی از منکر نکردن و سر در جیب خود فرو بردن و هیچ تکلیفی در مقابل دیگران و جامعه برای خود قائل نبودن و یا حتّی امر به معروف و نهی از منکر را مخالف انتظار قلمداد کردن و بدتر، وظیفه‌ی منتظر را دامن زدن به فساد و تباهی‌ها دانستن و هر گونه حرکت و قیامی را قبل از ظهور حضرت، باطل و مخالف دوران انتظار گفتن، از دستاوردهایی است که برگرفته از غرض‌ورزی‌ها و دست سیاست بازان است.حضرت امام(ره) به طور مفصّل، پنج دیدگاه درباره‌ی انتظار را مطرح و به نقد یکایک می‌پردازند و در پایان، نظریه‌ی صحیح (آمادگی و قیام به قدر استطاعت) را ذکر می‌کنند.ایشان، در نقد برخی از این دیدگاه‌ها، چنین می‌آورند:البته، در بین، این دسته، منحرف‌هایی، هم بودند اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف هایی بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند. [۳۶] .اگر دست سیاستی این کار [این دیدگاه‌ها]نکرده باشد که بازی بدهد ما را، که ما کار به آن‌ها نداشته باشیم، آن‌ها بیایند، هر کاری بخواهند انجام بدهند، این، باید آدم نفهمی باشد. [۳۷] نمی‌دانند دارند چه می‌گویند. [۳۸] .آری، به دنبال چنین تحریف‌هایی [۳۹] افرادی چون ابن تیمیّه، در گذشته، و افرادی مانند نکوتن، ولهوسن، پرکلیمن، دونالدسن، شریعت سنگلجی، کسروی و بالاخره سلمان رشدی و احمد الکاتب و... و جریانات و افراد دیگری که به هر بهانه، به دین و شیعه می‌تازند و آن را مورد تردید و تشکیک قرار داده و در آن ایجاد شبهه می‌کنند، مورد حمایت جدّی دشمن قرار گرفته و نظرشان علمی قلمداد می‌شود.ابن تیمیّه گوید: «انتظار، در زمان غیبت امام عصر، ضعف و سستی در امور و بی تفاوتی در برابر مفاسد اجتماعی و همه چیز را به امید آینده واگذر کردن و اصلاح امور را به عهده‌ی امام زمان(ع) گذاردن است.». [۴۰] .کسروی گوید: «داستان امام ناپیدا... زیان‌هایی نیز به زندگانی دارد...پس ماندن توده، چیرگی بیگانگان، ناتوانی دولت، نابه سامانی کشور... به هرزبونی، تن در می‌دهند و یوغ بیگانگان را به گردن می‌گیرند و به این بر نمی‌تابند که یک راه رهایی به رویشان باز شود، چرا که دستگاه امام ناپیدا به هم نخورد.» [۴۱] .مارکسیست‌ها می‌گویند: «مذهب، تفکرات خرافی را بین انسان‌ها رواج داده، چنین تبلیغ می‌کند که در زندگی فعلی باید بر شرایط تمکین کرده و قانع بود... و باید با کمال میل، ستم و استثمار طبقات حاکم ارتجاعی و... و زندگی و سرنوشت برده‌وار موجود را پذیرفت و خشنود بود و علیه این شرایط عصیان نکرد. [۴۲] .تذکر: «چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به اسم تجدّد طلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون اطّلاع، بدون اینکه بدانند دارند چه کار می‌کنند مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند این‌ها همان کاری را که دشمن می‌خواهد! راحت انجام می‌دهند.امروز هر نفسی، هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است، چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلّق به دشمن است، چه صاحب این قلم بداند، چه نداند! دشمن از او استفاده می‌کند.» [۴۳] .

تخریب

اشاره

شگرد دیگر دشـمن، حمله‌ای نـاجوانمردانه و نفرت زایی در مقابل جریـان مهـدوی، بـا ژست‌هـای علمی و هنری اسـت. دشـمن، برنامه‌های کوتاه مـدّت و طولانی مـدّت زیادی دارد:۱) نیروسـازی برای صـفوف خود با خطر جلوه دادن جریان مهـدویّت؛۲) ایجاد شك و تردیـد و تنفّر در افراد به ویژه معتقـدان به مهـدویّت؛۳) برنامه ریزی برای نسل آینـده [۴۴] برای ایجـاد نتفّر در آنـان که این مسئله شامل معتقدان به مهدویّت هم می‌شود.

فیلم پیشگویی‌های نوسترا داموس یا مردی که آینده را دید

فیلم «پیشـگویی‌های نوسترا داموس» یا «مردی که آینـده را دیـد» نمونه‌ای است که هر سه هدف، و بیش‌تر دو هدف نخست را دنبال می‌کنـد. در این فیلم که توسط کمپانی «گلـدن مایر» صـد در صد صـهیونیستی - ساخته شده است، با تحریف و برداشت خاصـی از پیشـگویی‌های نوسترا داموس که در قالب اشعاری رمزآمیز بیان شده است، چهره‌ی امام زمان(ع) را چهره‌ای خشن و بسیار مخرب و وحشت زا معرفی، و پیامد حضور ایشان را جنگ‌ها و جنایت‌ها و ناامنی‌ها قلمداد کرده است.فیلم، ایشان را سومین ضد مسیح نامیده است و بـا مقـدمه چینی که از واقعی بودن و محقّق شـدن پیشـگویی‌های دیگر نوسترا داموس ارائه داده است، مخاطب را به این باور رسانـده است که هر آن چه این پیشـگو می‌گوید، محقّق خواهد شد.البته، اسـتفاده‌ای چنین ابزاری از اشـعار رمز آلود نوسترآداموس که از احتمالات و برداشت‌های متفاوت ابایی نـدارد، برای بار نخست نبوده است، اشـعار او، همیشه، برای مقاصد خاصّـی مورد سوء استفاده قرار گرفته است.از ابتدای مِه ۱۹۴۰ هواپیماهای آلمانی، اعلامیّه‌هایی را در شهرهای مختلف فرانسه پخش کردند که در آن از پیش بینی‌هـای نوسترآداموس در جهت اهـداف حمله‌ی آلمان بهره جسته شـده بود. در مقابل نیروی هوایی انگلسـتان نیز ساکت ننشـست و هر چنـد اقدام انگلیسـی‌ها با تأخیر و سه سال بعد، یعنی در سال ۱۹۴۳ به وقوع پیوست، امّـا آن‌هـا نیز در زمان چرچیل، به مقابله با آلمان نازی پرداختند و با استفاده از پیشگویی‌های نوسترا داموس، جنگ تبلیغاتی را علیه هیتلر به راه انداختند و اعلامیّه‌های فراوانی را به شـهرهای مختلف فرانسه و بلژیک فروریختند. هر چند انگلسـتان خود، در آن زمان، با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه رو بود، امّـا برای اداره‌ی هر چه بهتر جنـگ روانی علیه دشـمن، مبلغ هشـتاد هزار پونـد - که در آن زمان، رقمی بسـیار بالا به شـمار می‌آمد - هزینه کرد.در سال ۱۹۴۴ کتابی از نوسترا داموس در فرانسه به چاپ رسید که در آن، از شکست قریب الوقوع هیتلر سخن به میان آمده بود. «گشتاپو» پلیس مخفی آلمان نازی، به محض وقوف بر ما جرا، تمام نسخه‌های چاپ شده‌ی کتاب را مصادره کرد و حتّی کلیشه‌هـای سـربی آن را نیز ذوب کرد و از میان برد. [۴۵] .آری، چنـدین کتاب درباره‌ی نوسترآداموس، البته با تحریف، به نوشـته در آمـد کـه معروف‌تریـن آن‌هـا، «نوسـترا دامـوس و نازی‌هـا»، اثر «لیـک او» [۴۶] اسـت. [۴۷] .نوسـترا دامـوس، خود، چنین می‌گوید:«نوشتارهای، پیشگوی بزرگ که آینده‌ای افتخارآمیز دارد. پاره پاره و جدا شده، در دستان یک خود سالار بی رحم، جای می‌گیرد و از براینـد این دزدی، پادشاه او فریب داده می‌شود». [۴۸] .

زندگی نامه‌ی نوسترا داموس

نوسترا داموس در ۱۴ دسامبر ۱۵۰۳ در پرووانس [۴۹] از اسـتان‌های جنوبی فرانسه و در خانواده‌ای کاتولیک، دیده بر جهان گشود. نزد جـدّش، مقـداری ریاضـیات و ستاره‌شناسـی و نیز زبان‌های لاتین و یونانی را فرا گرفت.با دریافت لیسانس از دانشـکده‌ی «مونت پلیـه» [۵۰] بـه طبـابت پرداخـت و بـدون ترس از طـاعون، خـود، شـخصاً، در میـان بیمـاران حاضـر می‌شـد و بـه مـداوای آنـان می‌پرداخـت.نسـخه‌های شـفا بخش او، در آن ایـام، شـهرت فراوانی را برای‌اش به ارمغـان آورد. در همین زمینه، او، کتـابی در سـال ۱۵۵۲ منتشـر کرد.بعد از این حادثه، به مدّت چهار سال، بارها میان شهرهای مختلف فرانسه و ایتالیا، به مسافرت پرداخت و در همین سفرها بود که با کتاب‌های سـحر، ستاره‌شناسـی، طالع بینی آشـنا گشت. او، در سال ۱۵۲۹ پس از وقفه‌ای چهـار ساله، برای دریافت

درجه‌ی دکترا به دانشکده‌ی پزشکی بازگشت.بعد از فراغت از تحصیل، با دختری کاتولیک ازدواج کرد که ثمره‌ی آن، یک پسر و یک دختر بود. لیک آنان قربانی طاعون شدند. بی نتیجه ماندن اقدامات وی برای نجات جان عزیزان‌اش، او را دچار مصیبتی بزرگ کرد و اندوه او، آن‌گاه دو چندان شد که پدر و مادر همسرش علیه او اقامه‌ی دعوا کردند و با تقدیم شکایتی به دادگاه، خواستار دریافت مهریه‌ی دخترشان شدند.گرفتاری‌ها، به همین مقدار ختم نگردید و چیزی نگذشت که از طرف دادگاه تحقیق و تجسس، وابسته به کلیسای کاتولیک شهر تولوز [۵۱] که در آن دوران، برپایه اعتقاد به مجسّمه سازی و پیکرتراشی استوار بود، برای او احضاریه‌ای فرستاده شد. در این نامه، نوستر آداموس به کفر و الحاد متّهم گردیده بود، زیرا، او، روزی، در کلیسا، به سازنده‌ی پیکره‌ای بُرنزین از مریم بتول گفته بود: «وی، سازنده‌ی نماد شیاطین است.».نوسترا داموس که به خوبی می‌دانست محاکمه، در نهایت، به محکومیّت او خواهد انجامید و اعدام او قطعی است، از آن جا گریخت و در سال ۱۵۴۴ به شهر سالون [۵۲] بود.او، در این اتاق، شروع به نگارش پیشگویی هایش کرد و آن‌ها را نخستین بار، در سال ۱۵۵۵ م، به زیر چاپ برد.وی، رویدادهای چهار قرن فراروی خود را پیش بینی نمود، پیشگویی‌ها در ده فصل یا سانتوری نوشته شده است. هر فصل از کتاب نیز به صد قطعه تقسیم شده است. فصل هفتم به دلیل نامعلومی، چهل و دو قطعه دارد.چندی نگذشت که آوازه‌ی او، همه جا را فراگرفت.نوسترا داموس به بیماری نقرس مبتلا شد و تا پایان عمر، از آن رنج برد. او، در تمام این مدّت، به طالع بینی افراد، مخصوصاً ثروت مندان پرداخت و این، در حالی بود که پیشگویی در آن زمان، به نقطه‌ی اوج خود رسیده بود.و بالاخره، در دوم ژوییه ۱۵۶۶ در شهر سالون دیده از جهان فرو بست و در حیاط کلیسایی در این شهر، به خاک سپرده شد.

بررسی اشعار نوسترا داموس

اشاره

دربـاره‌ی اشعار و تفاسیر ارائه‌ی شده، اشعار او، نکاتی گفتنی است.البته، خواننده‌ی گرامی. مستحضر است که نه آن چه نوسترا داموس آورده و نه آن چه مفسّران آن گفته‌اند و نه احتمالاتی که به نظر نویسنده رسیده است، هیچ یک، وحی آسمانی نیست که ادعای عصمت و یا صحت یقینی آن رود، بلکه صرفاً، برای رد برداشت‌های ابزاری است که برای منافع خاص و استکباری مدد گرفته شده است:

احتمال اشتباه

بر فرض تفسیر صحیح اشعار نوسترا داموس، باز هم این گونه نیست که تمامی اشعار او، بی‌تهافت و تناقض باشد. مفسرّان معتبر اشعار او، مواردی را نقل می کنند که نوسترا اشتباه کرده است. مثلاً «لئونی»، مفسّر معروف اشعار وی می گوید،:در سانتوری ۲، رقم ۷۴، نوسترا داموس، اشتباهاً، به جای «آلپ» واژه‌ی «پیرنه» را به کار برده است. [۵۳] .در سانتوری ۹، رقم ۳۳ ناهمگونی به کار بردن «آنه مارک» و «هرکول» با فرا نام «دوگل» با آن که بین آن‌ها زمان زیادی است، در این شعر، کاملاً مشهود است. [۵۴] .

آینده

پادشاه وحشت یا امام رحمت و امنیت

اشاره

در سانتوری ۱۰، رقم ۷۲ آمده است:«پادشاه بزرگ وحشت» در هفتمین ماه سال ۱۹۹۹ از آسمان به زمین خواهد آمد...جدای از ترجمه و تفسیر که احتمالات دیگری دارد [۵۵] و جدای از این که ۱۹۹۹ گذشت و اتّفاقی رخ نداد و آن چه به نام حضرت مهدی(ع) گفته‌اند، با توجّه به عدم ظهور ایشان در این سال، نادرستی اش مشخص گشت، حال با عنایت به اشعار و قرائن دیگر مشخص می‌شود. ترسیمی که نوسترآداموس از آینده دارد، بسیار سر سبز و با طراوت است. اشعار زیر از سانتوری‌های متفاوت، مؤیّد سخن ما است:

منجی

در سانتوری ۵، رقم ۹۶، داموس، وعده می‌دهد که:«در هنگامه‌ی نیاز نجات دهنده، اگر چه کمی دیر، ولی سرانجام از راه خواهد رسید.»

به اوج و نهایت رسانیدن

در سانتوری ۳، رقم ۲، آمده است:«به واژه‌ی آسمانی، که فراگیرنده‌ی زمین و آسمان است، معنایی تازه می‌شود، رمزی زرین در سلوک اهل راز، پدیدار می‌شود. جسم و روح و روان، همه و همه، به منتهای توانایی رسیده‌اند، هر چیز که هست، به سان دریایی که در زیر آسمان گسترده است، به زیر گام‌های او در می‌آید.»نگاهی اجمالی به این شعر می‌رساند، آن چه وعده داده می‌شود، دادن معنایی تازه به واژه‌های آسمانی است و بالاتر از آن این که جسم و روح و روان، به منتهای توانایی خود می‌رسند. اگر صرفاً، به توانایی رسیدن جسم بود، شاید احتمالات غیر آسمانی قابل قبول می‌نمود، لکن رسیدن انسان به منتهای توانایی‌های روح و روان، جز در سایه‌ی تعلیم آسمانی و به دست رادمرد الهی معنا ندارد. انسانی که خود را نمی‌شناسد، زوایای روح و روان خود را نمی‌داند، قابلیّت‌های خود را نمی‌شناسد، چه گونه می‌تواند جز با مدد از وحی، به غایت روح و روان خود برسد؟مؤیّد دیگر در این شعر، قسمت آخر آن است که هر چیز که هست را به سان دریایی در زیر آسمان گسترده در زیر گام‌های او معرفی می‌کند و این. حاکی از حکومتی جهانی است، امّا نه جهانی کردن و تک قطبی ساختن، بلکه حکومتی جهانی است به رهبری رادمردی الهی که انسان را به نهایت تکامل روحی و روانی خود می‌رساند.آری، تفاوت وعده‌ی الهی حکومت حضرت مهدی(ع) با اتوپیاهای دیگر، علاوه بر رفاه و امنیّت و...، رسیدن انسان به نهایت روحی و روانی خویش است که هیچ اتوپیایی چنین وعده‌ای نداده است و اگر داده باشد، در وعده‌ی خود نمی‌تواند صداقتی داشته باشد.

امنیت و آرامش

پیشگو در سانتوری ۱، رقم ۶۳، به امنیّت و آرامش چنین اشاره می‌کند:«دنیا، کوچک‌تر می‌شود، و بیماری‌ها فروکش می‌کنندو زمینیان، برای زمانی بس دراز، آرامش را تجربه خواهند کرد. مردمان، بدون وحشت از خطر، در زمین، در دریا و در آسمان، به سفر خواهند پرداخت...»این شعر نیز مسئله‌ی جهانی را مطرح می‌کند، مسئله‌ای که تاکنون رخ نداده است. ماجرایی بس لذّت بخش و شیرین. آینده‌ای که امنیت جهان را فراگرفته است و مردمان، بی وحشت، از این سو به آن سو می‌روند. [۵۶] فرانسه وارد شد.او، در این شهر با بیوه‌ای ثروت‌مند ازدواج کرد و از وی صاحب چند فرزند گردید. این محل، آخرین توقف‌گاه نوسترا داموس بود. او، طبقه‌ی فوقانی خانه‌ای در این شهر را به گنجینه‌ی کتاب‌های خود که شامل موضوعاتی درباره‌ی سحر، طالع‌شناسی، روان کاوی بود، اختصاص داد.یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده او، کتابی به نام رازهای مصر [۵۷] .این‌ها تداعی کننده‌ی روایت حضرت

علی(ع) است که فرمود:«...بنا یدفع الله الزمان الکلب....و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحنا من قلوب العباد واصطلحتِ السِبّاعِ و البَهائم حتّی تمشی المرأةُ بین العراقِ إلی الشام...علی رأسها زینتُها لا یهیجُها سَبُعٌ و لا تخافُه....»؛ [۵۸] .به دست ما، روزگار سختی‌ها و تشنه کامی‌ها سپری گردد... و چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه‌ی زیب و زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد...اشعار ذیل، ترسیم کننده‌ی آینده‌ی از نظر داموس است:

صلح و شایسته سالاری

در سانتوری ۹ رقم ۶۶ آمده است:«صلح و اتّحاد و دگرگونی بسیاری، پیش می‌آید. نه تنها بخش‌ها فزونی می‌یابند، که مسئولیّت‌های پست و اندک نیز، بهایی دیگر می‌یابند و بدین سان، کسانی که بر قله جای داشتند، از فراز به فرود می‌افتند».

رفاه

در سانتوری ۱۰، رقم ۸۹ آمده است:«تمامی دیوارهای آجرین، تبدیل به دیوارهای مرمرین می‌شود. هفتاد و پنج سال، آکنده از صلح شادمانه بر مردمان خواهد گذشت. کانال آب، دگر باره باز خواهد شد. فراوانی و سلامتی می‌آید و فصل‌های شیر و انگبین، به چشم دیده خواهد شد.»

صلح و آرمانشهر

در سانتوری ۱۰، رقم ۹۹ آمده است:«به زودی، برای اسب، شیر، گاو نر و گرگ، پایانی فرا می‌رسد. کبوتر، رام شده و همیار سگ بولداگ می‌شود. دیگر بیش از آن، آن مائده‌ی آسمان، بر سر آنان نخواهد بارید.»«اسب، نماد تندپایی و هوشیاری، و وفاداری، شیر، نماد حرارت و گرما و قدرت، گاو نر نشانه‌ی توان‌مندی‌های جسمانی و برکت، گرگ، نماد خون خواری و توحّش است.بدین سان، پیشگو، در این الهام بسیار پرمعنا، از زمانی سخن می‌آورد که دوران جلوه‌گری این نمادها در دنیا به پایان خود می‌رسد و بی‌گمان، در آغاز فصلی دیگر از فصل‌های زندگی در کره‌ی زمین است که «کبوتر» و «سگ بولداگ» که یکی نمایه‌ی صلح و دیگری نمایه‌ی پاسداری از ارزش‌هاست...با یکدیگر یار و همکار می‌شوند...گویا نوسترا داموس در این الهام، با یک آرمانشهر (یوتوپیا) دیدار کرده است. مدینه‌ی فاضله‌ای که پیوسته اندیشه‌مندان، در آروزی رسیدن به آن سوخته‌اند.» [۵۹] .

شادمانی شورانگیز

در سانتوری ۱، رقم ۱۸ آمده است:به خاطر ناسازگاری‌ها و تنش‌ها و به سبب فروگذاشت‌های گل‌ها فرانسویان به «محمدی»ها، شادمانی شورانگیزی پدید می‌شود...

نجات از یوغ فرمان برداری

در سانتوری ۲، رقم ۲۸ آمده است:«بزرگمردی به نام آخرین پیامبر، روز دوشنبه [۶۰] را برای تعطیل عمومی بر می‌گزیند. آن مرد، در شورمندهای خویش، چنان پیشروی خواهد کرد که ملّتی را از یوغ فرمان برداری نجات می‌دهد».

امید مستضعفان

در سانتوری ۱، رقم ۳۳ و ۳۴ آمده است:...،تمامی دروازه‌ها، در زمان وحشت، پیوسته، به روی آن مرد، گشاده خواهند بود...سپس آن مرد، جنگاوران را آماده خواهد ساخت، بخشی از مردمان، به او، به نام انسانی نیک، و بخشی، به نام انسانی اهریمن می‌نگرند که نمی‌توان به او اعتماد کرد. و در این گذاره، آنان که ناتوان‌ترین‌اند به او، همانند نشانه‌ای خجسته می‌نگرند که بسی نیک است....درباره این دو قطعه نیز شاید بتوان گفت، جریانی که در آغاز قیام امام(ع) رخ می‌دهد تردیدهایی که در آغاز، چهره می‌نماید و بالاخره، نگاهی امیدوارانه و خجسته‌نگرانه‌ی مستضعان مد نظر است. آری، همین نگاه است که دروازه‌های شهرها را برای او می‌گشاید. و اکثر افراد با میل و رغبت، به او ا یمان آورده و به او می‌پیوندند.

آغاز گران جنگ، هدف از جنگ

در فیلم، آن که از تبار پیامبر مسلمانان است، به هدف ویرانگری و...آغاز گر جنگ معرفی می‌گردد، حال آن که توسط پیشگو، آنان که جنگ و طاعون و مرگ را به راه می‌اندازند، در سانتوری ۹، رقم ۵۵ معرفی شده‌اند:«در غرب، تدارک نبردی بس هولناک دیده خواهد شد و از آن، پس طاعونی چنان مرگ آفرین که نه جوان و نه پیر و نه حتّی هیچ حیوانی زنده نمی‌ماند. در همه جا، آثار خون و آتش، به چشم خواهد آمد. سیارگان، زحل، مریخ، ژوپیتر، در کشور فرانسه به هم گرد آمده‌اند.».جالب است که در همان سانتوری در رقم ۵۲ آمده است:«... سرانجام، صلح از گوشه‌ی از گیتی، وارد می‌شود».گفتنی است با توجّه به قسمت قبلی این شعر که جنگ و درگیری در فرانسه را مطرح می‌کند (...این فاجعه در سراسر کشور فرانسه جریان خواهد داشت) و با توجّه به تفسیر برخی مفسّران [۶۱] که اسامی چون فرانسه و... از سمبل‌های غرب است، معلوم می‌شود، ایجاد صلح و آرامش، از ناحیّه‌ی غرب نیست.حال، با تقابل این دو شعر با شعر ۹۲ سانتوری ۱، احتمال داده شده، بسیار تقویت می‌شود:«صلح» به وسیله‌ی یک مرد، در سراسر گیتی، اعلام می‌شود، اگر چه زمانی بس کوتاه از این اعلام، سرکشی و چپاول، باری دیگر، در جهان آغاز می‌شود، به خاطر یک خود داری یا ردِّ یک پیشنهاد، شهرها، زمین و دریاها، سوراخ سوراخ می‌شوند و جمعیّتی کم‌تر از یک میلیون و سیصد و سی و سه هزار نفر، در این فاجعه، از پای در آمده و یا دستگیر می‌شوند.آیا جز این است که امام، به دیوار کعبه تکیه داده، اهل عالم را به توحید فرا می‌خواند و به عدم ظلم و ستم، ولی سفیانی‌ها و دجّال‌ها در مقابل او قد علم می‌کنند و پیشنهاد و سخن او پذیرفته نمی‌شود و جنگ‌ها و غارت‌ها رخ می‌دهد و امام مجبور می‌شود که فتنه‌ها راخاموش و فتنه‌گر را نابود سازد.در سانتوری ۱۰، رقم ۹۸ آمده است:«... فزون خواهی سودگران، همه‌ی گرگ‌های خون خوار و تمامی غول‌های حیرت‌انگیز دنیا را به ناآرامی‌های بسیار، دچار می‌کند»در حالی که در رقم ۶۲ همان سانتوری آمده است:«... آن مرد که حکمران بیزانس و فرماندار اسلاونیا را با قوانین عرب آشنا می‌سازد، از راه می‌آید.».

خشونت و وحشت آفرینان

در سانتوری ۶، رقم ۲۱ آمده است:«به هنگامی که قدرت‌های قطب شمالی زمین،با یک دیگر یار و یگانه می‌شوند، وحشتی فراتر از پندار، در مشرق زمین، حاکم خواهد شد. مردی جدید که مردی بلند جاه و وحشت آفرین، از او حمایت می‌کند. انتخاب می‌شود. خاک‌های «رد زیا» [۶۲] و «بیزانتیوم» [دریای مدیترانه و ترکیه] از فوران خون بربرها لکه‌دار می‌شود.»در سانتوری ۸، رقم ۱۷ آمده است:«کسانی که توان‌مندانه زندگی می‌کنند، به ناگهان، دگرگونی می‌یابند. گیتی، از سه برادر، آرامش خود را از دست می‌دهد. دشمنان برادران، بیش‌تر بنادر دنیا را تسخیر می‌کنند. زان پس، آتش و خون و گرسنگی همه جا را فرا خواهد گرفت و آن چه که

از سیاه روزگاری در این جهان است، افزایش می‌یابـد».منظور از «سه برادر»، در برخی تفسیرها، قـدرت‌های جهان نام برده شده‌اند. [۶۳] .در سانتوری ۱، رقم ۷۹ آمده است:«از قوانین و از جدل‌ها و خودسالاری‌ها، بر شـهرهای «باراس» [۶۴] «لکتور»... [۶۵] .آسیب هولناکی وارد خواهـد آمـد. «کارکاسون» و... [۶۶] در آن هنگـام که کشـتار دوبـاره‌ی مردم را آرزومی کننـد. خود، به تمـام نـابود می‌شوند.»نوسترا داموس در جایی، به صـراحت، هشدار می‌دهد و خواسـتار تغییر شـیوه و رویه‌ی ددمنشی غرب می‌شود.در سانتوری ۱. رقم ۸ آمده است:«چه گونه، بارها و بارها تسـخیر می‌شود؟ آه! ای خورشـید شـهر آیین‌های خود بینانه و وحشی گرانه‌ات را دگر سازی کن که سـرنوشتی بس تاریک دنبالت می‌کند.»در گذشـته، پاریس را خورشید شهر نیز می‌نامیدند. [۶۷] .در سانتوری ۸، رقم ۶۰ آمـده است:«آن‌ها نخست بار، در «گُل» و «رومانیا» از راه‌های زمینی و دریایی. در برابر قوای انگلیس و فرانسه قرار می‌گیرنـد، از آن سپاه نیرومند، کنش‌های بس شگفت‌انگیز برخواهد آمد. حیوان وحشی، از خشونت‌گری‌های خویش، منطقه‌ی «لورن» [منطقه‌ای در فرانسه] را از دست خواهـد داد.»در سانتوری ۶، رقم ۲۱ آمـده است:«به هنگامی که قدرت‌های قطب شـمالی زمین، با یک دیگر یار و یگانه می‌شوند، وحشتی فراتر از پندار، در مشرق زمین، حاکم خواهد شد، مردی جدید، که مردی بلند جاه و وحشت آفرین از او حمایت می‌کنـد، انتخاب می‌شود، خاک‌های. «ردزیا» و «بیزانتیوم» [ترکیه] از فوران خون بربرها، لکه دار می‌شود.»در سانتوری ۶، رقم ۵۷ آمده است:«آن مرد که سر کرده‌ای سرخ خواهد داشت که به جایگاه قدرت، بسیار نزدیک است. او که سخت دل و تند و خشن شده است، در قالب وحشت آفرین‌ترین موجودات، فرورفته و برنشـیمن گاه، خود کامه‌ی قدسـی، قرار خواهد گرفت.».در این شعرواره. تنهـا، یـک نشانه وجود دارد و آن، عبارت «سـرخ است» است. حال بایـد دیـد، سرکرده یا رئیس سـرخ را به چه می‌توانیم تصویر کنیم. به یک رهبر کمونیست و یا پاپی که ردای سرخ برتن می‌کند؟ امّا چون سـخن از جایگاه قدرت و به ویژه مسـندگاه یا نشـیمن گاه است، ذهن، بیش‌تر، به سوی یک مرکز دینی کشانیـده می‌شود که جز واتیکان نمی‌توانـد باشـد.به هر سان، ذهن پویای پیشـگو، در این پرواز، بیش‌تر روی به جانب مرکز کاتولیسم جهان داشته است. [۶۸] .جالب است. این وحشی که سومین ضد مسیح است و از سوی سرکرده‌ی سرخ (پاپ) مورد حمایت قرار می‌گیرد، در جای دیگر، بیش‌تر معرفی شده است.در سانتوری ۱، رقم ۱۲ آورده است:«به زودی، مردی خشن و وحشـی، آوازه خواهد یافت که بشتاب به فرمان روایی رسیده است، امّا دوران قدرت‌مندی او بسـیار کوتاه است و به ناگاه، چهره‌ی مردی را از خود نشان خواهد داد که بسـی ناسپاس و سبک طبع است. او، بر «ورونا» حکومت خواهد راند.».«ورونا» از شهرهای شمالی ایتالیا، نزدیک به قله‌ی «آلپ» [۶۹] است که تا دره‌ی «پو» [۷۰] ادامه می‌یابد. [۷۱] .اگر این بار هم، ایتالیا را مظهر غرب بـدانیم، به خوبی روشن خواهـد شد که آن پادشاهی که جنگ آفرین و وحشت زا است، جز حاکمی از حکمرانان غرب نخواهـد بود.آری، وحشت و جنگ از دیدگاه نوسترا داموس، پیامد پادشاهانی است وحشت زا و غفلت زده و خود کامه و این جاست که آداموس، خود از دردها و رنج‌هایی که اندیشـمندان و دانشیاران بایستی عمل کنند، آه و افسوس می‌کشد در سانتوری ۱ رقـم ۶۲ آمـده است:«فسوسـا که دانشـیاران، پیش از به پایـان آمـدن گردش مـاه، بایـد چه زیان‌هایی را بپذیرنـد! سـیلی سرگردان و آتشـی شـعله بار، از سوی فرمان روایان غفلت‌زده و گـذاره‌ی قرون و اعصار، پیش از آن که، دگر باره بازسازی شونـد، چه دراز مدت خواهد نمود.»

نتیجه‌ی جنگ؛ پیروزی یا شکست؟

بر خلاف آنچه گفته شـده است، نتیجه‌ی جنـگ را نیز نوسترا داموس مشـخص کرده است، امّـا نه آنچه که در فیلم «پیشـگویی‌های نوسترا داموس» یا «مردی که آینـده را دیـد» آمـده است.در فیلم، پیروزی را از آن مخالفان فرزند پیامبر مسـلمانان (حضـرت مهدی) اعلام می‌کنـد و مخـاطب را برای برنـامه ریزی و برای جلوگیری از مهـدی، به یـاری می‌خوانـد، در حالی که اشـعار او چیزی دیگر

می گوید.در سانتوری ۲، رقم ۸۶ آمده است:«در نزدیک دریای آدریاتیک، تمامی کشتی‌ها غرق می‌شوند، از لرزه‌های سخت، زمین به آسمان پرتاب شده، باز رفته و باز می‌آید، کشور مصر، پرآشوب می‌شود. مسلمانان بالنده و سرافراز می‌شوند.»در سانتوری ۳، رقم ۲۰ آمـده است:«... پیروان دین محمّدی صلیب را رد خواهند کرد...»در سانتوری ۳، رقم ۲۳ آمـده است:«... هواداران دین محمّدی در برابر تو، ایستایی خواهند کرد.»در سانتوری ۵، رقم ۲۵ مـده است:«فرمانروای عرب... حکومت کلیسا، در آب دریا، نابود خواهد شد...»در سانتوری ۶، رقم ۸۰ آمـده است:«به زودی، دامنه‌ی نفوذ، از فاس به کشورهای اروپایی کشانـده می‌شود.شـهرها، در آتش می‌سوزد و شمشـیرها، درخشش می‌یابند. بزرگ مردی از آسیا، با سپاهی بزرگ، از خشکی و دریا می‌رسد. با او، مردانی هستند که مانند مردگان، چهرهایی رنگ پریده دارند و صلیب‌ها را نابود می‌کنند.» [۷۲] .«فاس»، شهری در مراکش است که مسجد و دانشگاه معروف «القرویّین» – یکی از بزرگترین و قـدیمی‌ترین مساجـد و مراکز علمی جهان، در آن واقع است – این مرکز فرهنگی، در سال ۸۵۰ م دایر شـد و شـهر فـاس، خود در سـال ۸۰۸ م به دست «ادریس دوم» بنـا گردیـد.اوج شـکوه و رونق فـاس، در قرن چهـاردهم میلادی بود. به طوری که دانشـجویان رشـته‌های گونـاگون علمی را از تمام نقاط جهان اسـلام و بعضـی کشورهای اروپایی جـذب می‌نمود...گزینش فاس از سوی نوسترا داموس در این قسـمت از رباعی، به خاطر درخشندگی تمدن اسلامی در این منطقه می‌باشد. تلألو این تمدن با شـکوه، در آینده، تمام اروپا را در خود فرو خواهد برد. این سـرزمین، در طول تاریخ، از موقعیت فرهنگی و علمی ممتازی برخوردار بوده است. زمانی که فاس، در اوج بالنـدگی به سر می‌برد، بسیاری از کشورهای اروپایی مجاور آن، در تاریکی جهـل و نادانی دست و پا می‌زدنـد. [۷۳] آنهـایی که نوسترا داموس، از ایشـان به عنوان همراهـان این مرد بزرگ نـام برده است، چه کسانی می‌توانند باشـند؟ افرادی رنگ پریده به سان مردگان!، اینها گرسـنگان و پا برهنگان جهان سوم هسـتند. آنها، انبوه بینوایان و محرومانی هسـتند که برای اعاده‌ی ارزشـهای انسانی از دست رفته و حقوق غصب شـده شان قیام کرده‌انـد تا انتقام خود را از شکم باره‌های مرفه و کاخ نشـین بستانند. برای همین است که آنان، صـلیب‌ها را نابود می‌کنند، صلیب‌هایی که دزدان آدمکش، سالها، با حیله و نیرنگ، خود را پشت آنها پنهان کرده‌انـد تا با تمسّک به آنها، تیره بختی را در میان ملّتهای مستضـعف گسترش بخشـند. چه بسیار خونها که به زمین ریخته شد و چه بسیار ویرانیهایی که به اسم صـلیب مقدّس و به افتخار پاپ، در اقصی نقاط جهان صورت گرفت. مستضـعفان به رهبری فرمانـده‌ی بزرگ خود، این بـازی صـلیبی را به پایـان خواهنـد برد و سـاحت عیسـی‌علیه السـلام را از تهمت‌های ناروایی که به او نسبت داده شده است، پاک خواهند کرد. [۷۴] .البته احتمال دیگری هم درباره رنگ چهره‌ای همراهان امـام زمـان می‌تـوان مطرح نمـود: و آن رنـگ پریـده‌گی در اثر تهجّـد و راز و نیـاز بـا خـدا اسـت.در سـانتوری ۹، رقـم ۶۰ آمده است:«مردی بزرگ از فرزنـدان اسـماعیل، به اوج قـدرت می‌رسـد...» [۷۵] .در سـانتوری ۱ رقـم ۷۹ آمـده اسـت:«... از قـوانین و از جـدل‌ها و خود سالاری‌ها، بر شـهرهای «باراس»، «لکتور» و... آسـیب هولناکی وارد خواهـد آمـد. «کار کاسون» «بوردو» و... در آن هنگام که کشـتار دوباره‌ی مردم را آرزو می‌کنند. خود به تمام نابود می‌شوند».شهرهای مذکور، همگی از شهرهای کوچک جنوب فرانسه هسـتند و چنـانکه گفتیم، می‌تواننـد به عنوان سـمبل غرب باشـند.در سـانتوری ۹ رقـم ۳۶ آمـده اسـت:«... سه برادر، جراحت خورده و از پای در می‌آینـد.»این سه برادر که در سانتوری ۸، رقم ۱۷ کسانی معرفی شده‌اند که گیتی بدست آنان، آرامش خود را از دست خواهد داد، سرنوشتی جز نابودی نخواهند داشت. همان‌ها که به نظر می‌رسد دولتهای سلطه گر و متجاوز و ظالم‌اند.جالب اسـت، پیشـگو، ایـن پیروزی را نیز بـه یـاری غربی‌هـا می‌دانـد.در سـانتوری ۴، رقـم ۳۹ آمـده است:«امپراتوری عرب... به یارمنـدی غربی‌ها... زنـده می‌شود؛»چرا که بیشتر افراد از جمله مردم خسـته از فرهنگ غرب و...، با میل و رغبت، به امام خوبی‌ها می‌پیوندند و با جان و دل، پذیرای او بوده، درها، به روی او گشاده خواهد بود.سانتوری ۱، رقم ۳۴:«... تمامی دروازه‌ها، در زمان وحشت، پیوسته به روی آن مرد گشاده خواهند بود.»

دو رهبر بزرگ

در سانتوری ۲، رقم ۸۸ آمده است:«سرانجام، در یک زمان، دو رهبر بزرگ، به یکدیگر نزدیک شده و توانایی‌های متّحدانه‌ی آنان در پیشروی‌های بالنده، فرا دیده خواهد شد.سرزمین تو، به فرازگاهی توانمند می‌رسد. از آن پس برای فردی که تباری بس بلند دارد، شماره‌ها تکرار خواهد شد.»البته چنان که گفتیم، نیازی به پیشگویی‌های نوسترا داموس نیست. قرآن و روایات، به خوبی ترسیم‌گر ظهور و حکومت صالحان هستند، لکن اشعار مطرح شده، به خوبی، تداعی‌کننده‌ی برخی از روایت است و یا لااقل، سخن دشمن را رد می‌کند. شعری که مطرح شد، تداعی کننده‌ی این روایت می‌تواند باشد که عیسی‌علیه السلام به کمک مهدی(عج) خواهد آمد و آن گاه، حضرت عیسی‌علیه السلام پشت سر حضرت مهدی‌علیه السلام نماز خواهد خواند و حکومت، از آن مهدی خواهد بود. او که فرزند رسول خداست و دارای تباری بس بلند است.در انوار التنزیل، در تفسیر «وانه لعلم الساعه» روایتی چنین آورده است:ینزّل عیسی‌علیه السلام علی ثنیهٔ بالأرض المقدّسهٔ یقال لها افیق و بیده حربهٔ بها یقتل الدجال فیأتی بیت المقدس و الناس فی صلاهٔ الصبح فیتأخر الإمام فیقدّمهٔ عیسی و یصلّی خلفه علی شریعهٔ محمد، علیه الصلوهٔ و السلام» [۷۶] .حضرت عیسی‌علیه السلام در سرزمین مقدس که آن را «افیق» گویند، نزول می‌کند، در حالی که اسلحه‌ای به دست دارد و با آن دجال را می‌کشد. آن‌گاه به بیت المقدس می‌آید. مردمان، در نماز صبح‌اند، عیسی‌علیه السلام، امام‌علیه السلام را مقدّم ساخته و مطابق شریعت محمدصلی الله علیه وآله به او اقتدا می‌کند.در کتاب تفضیل آمده است، آن چه تمام شیعیان و برخی از محدّثان اهل سنّت روایت کرده‌اند این است که:إنَّ المهدی إذا ظهر أنزل الله تعالی المسیح‌علیه السلام فإنَّهما یجتمعان. فإذا حضرت الصلاهٔ الفرض، قال المهدی‌علیه السلام للمسیح: «تقدّم یا روح الله، یرید تقدم الإمامه.» فیقول المسیح: أنتم أهل البیت لایتقدکم أحد، فیقدّم المهدی ثمّ یصلی المسیح خلفه، صلی الله علیها [۷۷] .چون مهدی ظهور می‌کند، خداوند مسیح‌علیه السلام را می‌فرستد. پس آن دو، در کنار یکدیگر می‌آیند. هنگامی که وقت نماز می‌رسد، مهدی‌علیه السلام به مسیح‌علیه السلام می‌گوید: «ای روح الله! پیشنماز شو!» مسیح گوید: بر شما اهل بیت، احدی حقّ تقدّم ندارد. بنابراین مهدی‌علیه السلام امام گشته و مسیح‌علیه السلام پشت سر او نماز می‌گذارد.نکته:گاه، برخی تعابیر نوسترا داموس، گویی حاکی از شکست مسلمانان است.در سانتوری ۳ رقم ۹۷، آمده است:«امپراتوری بشکوه بربرها پیش از آن که سده‌ی خورشیدی به پایان خود برسد، سقوط می‌کند».البته اگر مانند دکتر شرف الدین اعرجی، در کتاب «پیشگوی‌های نوسترا داموس با تحلیل اسلام گرایانه» بپذیریم که منظور نوسترا داموس از بربرها، مسلمانان هستند، و الاّ، چنان که مانند برخی مفسّران دیگر بیندیشیم، دیگر سخنی حاکی از شکست مسلمانان نخواهیم داشت.خانم پوران فرخ زاد، در کتاب «پیشگویی‌های نوسترا داموس یا مردی بر بال‌های آینده» آورده‌اند، منظور از امپراتوری بزرگ بربرها، همان آمریکا است و پیشگو، سقوط امریکا را پیش بینی کرده است.به هر حال، حتی اگر بگوییم، منظور از بربرها، مسلمانان هستند، موارد زیاد دیگری - چنان که در صفحات گذشته ذکر گردید - وجود دارد که پرده از پیروزی مسلمانان بر می‌دارد. بنابراین، اگر شکستی برای مسلمانان مطرح باشد، گویی مقطعی و مربوط به زمان یا مکان خاصی بوده است، چنان که در ابتدای همان شعر، (یعنی سانتوری ۳، رقم ۹۸) آمده است:«در پیرامن خاک‌های «سیریا»، قانونی نوین بر سرزمین نوین، حاکم می‌شود. امپراتوری بشکوه بربرها، پیش از آن که سده‌ی... سقوط می‌کند.»منظور از «سیریا» [۷۸] می‌تواند همان کشور آشنای سوریه باشد و نوسترا داموس، اشاره به اسراییل دارد؛ [۷۹] یعنی، نوسترا، از این واقعیت پرده بر می‌دارد که در این منطقه، اسراییل حاکم شده و به زور، مسلمانان را در این جا به سقوط می‌کشاند و در این‌جا «غده‌ای سرطانی» [۸۰] خواهد گردید، ولی هیچ گاه، این شعر، به معنای نتیجه‌ی نهایی جنگ مسلمانان و دشمنان آنان نیست؛چرا که گفتیم، نوسترا داموس، به صراحت می‌گوید:«که مسلمانان بالنده شده و سرافراز می‌گردند» و «پیروان دین محمّدی، صلیب را رد خواهند کرد» و «حکومت کلیسا در آب دریا نابود خواهد شد» و هیچ کس... قدرت آسیا را در حال نابودی نخواهد

دید»در سانتوری ۳ رقم ۸۶ و سانتوری ۳، رقم ۲۰ و سانتوری ۳، رقم ۲۳ و سانتوری ۵، رقم ۲۵، سانتوری ۶، رقم ۸۰ و سانتوری ۱، رقم ۳۳ و سانتوری ۱، رقم ۳۴ و سانتوری ۲ رقم ۲۸ و سانتوری ۱، رقم ۱۸ و سانتوری ۴، رقم ۵۰تأسف و هوشیاری‌فیلم پیشگوی‌های نوسترا داموس، نمونه‌ی کوچکی است از صدها فیلم و سریال که هالیودها عهده دار ساخت و پخش هنرمندانه‌ی آن اند تا حقیقت را به گونه‌ای که خود می‌خواهند تفسیر کنند و آینده را آن چنان که با امیال‌شان سازگار است، تغییر دهند:نمونه‌ی دیگربازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» «معروف به یا مهدی».The Persian Gulf Infernoاین بازی، عهده دار هدف سوم است، یعنی، برنامه ریزی برای نسل آینده و ایجاد تنفّر در میان آنان، بدین صورت که کودک، به جای قهرمان بازی که فردی است آمریکایی، قرار می‌گیرد و باید با کشتن مسلمانان که با صدای نفرت آوری «الله اکبر» و «یا مهدی» می‌گویند، امتیاز به دست آورد و در نهایت، به مراحل بالاتری رود والاّ با غفلت از آنان، کشته شده و امتیاز از دست داده و یا از بازی اخراج می‌گردد. بنابر قضیه‌ی شرطی شدن پاولوف، کودک، چنان می‌شود که با شنیدن «الله اکبر» و «یا مهدی»، تیراندازی می‌کند و... بالاخره در روح کودک، بذر نفرت، از این دو واژه کاشته می‌شود تا روزی استکبار بتواند از محصول آن فایده برد و...نکته‌امروزه، اینترنت و پایگاه‌های متفاوتی که در دشمنی و ایجاد شک و تردید در مهدویت رخ نموده‌اند؛ هوشیاری بیشتری از همه می‌طلبد.

جایگزین سازی

حربه‌ی چهارم دشمن، شخصیت‌پردازی و مدّعی سازی و حمایت از مدّعیان و فرقه‌ها است. ساختن شخصیت‌هایی مانند سیّدعلی محمّد باب، حسینعلی بهاء، سیّد محمّد نوربخشی در ایران، و میرزا غلام احمد قادیانی، در پاکستان، و سیّد محمّد جونپوری، در هند، و محمّد بن عبدالله القحطانی، در حجاز و... نمونه هایی ازاین حربه‌ی دشمن‌اند.

پاورقی

[۱] برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۷. نقل از روزنامه‌ی جهان اسلام ۹/۱۱/۷۲.

[۲] محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۱۱۳. (نقل از پیام، مجله‌ی یونسکو، آبان ۱۳۴۸).

[۳] همان (نقل از مبانی روحی تطوّر ملل) ص ۲۰۰.

[۴] لطف الله صافی گلپایگانی، انتظار، عامل مقاومت و حرکت، ص ۹۵ – ۱۱۲.

[۵] برگرفته از در فجر ساحل، محمّد حکیمی، ص ۷۳ – ۱۲۰.

[۶] سید رضا صدر، راه مهدی‌علیه السلام، ص ۸۹.

[۷] برای توضیح بیش‌تر، ر.ک: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، (مبحث انتظار)؛ صافی گلپایگانی، انتظار، عامل مقاومت و حرکت، ص ۶۲، ۶۳؛ مکارم شیرازی، انقلاب جهانی مهدی، ص ۱۰۳، ۱۱۳.

[۸] مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۵۹، نقل از روزنامه‌ی رسالت ۱۶/۱۰/۷۸.

[۹] مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزده هجری. دارمستر، ترجمه‌ی محسن جهان سوز، ص ۳۸، ۳۹.(به نقل از فصلنامه‌ی انتظار، ش ۱، ص ۹۷).]

[۱۰] در دسامبر ۱۹۴۸، مطابق با ۱۳۶۵ه. ش، در دانشکده‌ی تاریخ دانشگاه تل آویو (فلسطین اشغالی) با همکاری مؤسسّه‌ی مطالعاتی شیلوهه – که یک مؤسسه‌ی مطالعاتی غیر انتفاعی است و متصّل به صهیونیسم – کنفرانسی، با حضور سیصد شیعه شناس درجه‌ی یک جهان، برگزار شد و ظرف مدّت سه روز، در آن، سیصد مقاله‌ی صددرصد تفصیلی، تحقیقی و مبتنی بر عمده‌ترین متد تحقیقی و عمیق‌ترین روش‌ها ارائه شد. به قول «مارتین کرامر» – که یکی از شیعه شناسان جهان و دبیر این کنفرانس بود –

هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدّن شیعه‌ی اثناعشری و بعد، بالطبع، شناسایی انقلاب اسلامی سال پنجاه و هفت ایران بود. در این کنفرانس، افرادی مانند دانیل برومبرگ، ماروین زونیس، مایکل ام جی فیشر و دیگر شیعه شناسان و شرق شناسان و اسلام شناسانی‌غربی حضور داشتند. ر.ك: حسن بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، ص ۹۳، ۹۴.

[۱۱] حسن بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، ص ۹۳، ۱۳۰.

[۱۲] حسن بلخاری، تهاجم فرهنگی، ص ۱۳۱.

[۱۳] فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۶.

[۱۴] مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۶، نقل از روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۷۴.

[۱۵] مقام معظّم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۶، نقل از جمهوری اسلامی ۱۹/۱۰/۷۴.

[۱۶] مقام معظّم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۷، نقل از جهان اسلام ۹/۱۱/۷۲.

[۱۷] مقام معظّم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۸، نقل از کیهان ۸/۱۰/۷۵.

[۱۸] مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۸، نقل از کیهان ۸/۱۰/۷۵.

[۱۹] مقام معظم‌رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۸ – نقل از جمهوری اسلامی، ۱۵/۹/۷۷.

[۲۰] مقام معظم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۲، نقل از روزنامه‌ی رسالت ۲۶/۹/۷۶.

[۲۱] مقام معظّم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۲، نقل از روزنامه‌ی رسالت ۲۶/۹/۷۶.

[۲۲] مجلّه‌ی موعود، ش ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۷۹، ص ۲۶ – ۲۸ (نقل از بریتانیکا، ترجمه‌ی دکترین‌های مذاهب و اصول مذهبی آخرالزمان در مذاهب غرب، واژه‌ی «اسلام و زرتشت» «مهدی»)، مرتضی دهقان و بهروز علی زاده).

[۲۳] همان.

[۲۴] ناصرالدین، صاحب الزمانی، دیباچه بر رهبری، ص ۲۰۰ – ۲۰۱.

[۲۵] ناصرالدین، صاحب الزمانی، دیباچه بر رهبری، ص ۲۰۰ – ۲۰۱.

[۲۶] منیر بعلبکی، موسوعهٔ المورد، واژه‌ی مهدی المنتظر.

[۲۷] بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، باب چهارم، ص ۲۳۴، ۲۳۵. ترجمه و اقتباس.

[۲۸] برای تحقیق بیش‌تر، خوانندگان گرامی را به کتاب عبدالله بن سبا، اثر اندیشمند گرانقدر «علامه عسکری» ارجاع می‌دهیم.

[۲۹] ابن خلدون که متخصّص در جا معه‌شناختی و تاریخ است، نه در علم حدیث، تنها نوزده حدیث از بیست و سه حدیثی که بررسی کرده، مورد تحقیق قرار داده است و صرفاً، از هفت نفر نام برده است که احادیث مهدی(ع) را روایت کرده‌اند و بدین ترتیب، سخنان چهل و هشت تن از علمای راوی احادیث المهدی را از مدار محاسبه خارج کرده است. نخستین ایشان، ابن سعد، صاحب طبقات (۲۳۰هجری) و آخرین ایشان، نورالدین هیثمی (م ۸۰۷ هجری) است. چنان که از صحابه‌ی رسول‌خدا (ص) که احادیث مهدی به آن‌ها استناد داده می‌شود، فقط از چهارده نفر یاد کرده و سی و نُه تن دیگر را فرو می‌گذارد. ر.ک: در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علی زاده، ص ۲۰۷.

[۳۰] سید ثامر، هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علی‌زاده، ص ۲۰۷ (نقل از تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۵۵۵، ۵۵۶).

[۳۱] ناصرالدین، صاحب الزمانی، دیباچه بر رهبری، ص ۲۰۱.

[۳۲] مجله‌ی موعود، ش ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۷۹، ص ۲۶ – ۲۸ (نقل از بریتانیکا، ترجمه‌ی دکترین‌های مذاهب و اصول مذهبی آخرالزمان در مذاهب غرب، واژه‌ی «اسلام و زرتشت» «مهدی»)، مرتضی دهقان و بهروز علی زاده).

[۳۳] حسن بلخاری، تفاوت یا تهاجم فرهنگی، ص ۱۳۰.

[۳۴] مقام معظم رهبری، فصلنامه‌ی انتظار، ش ۲، ص ۳۲ نقل از رسالت ۲۶/۹/۷۶.

[۳۵] همان.

[۳۶] مجله‌ی تخصصی کلام اسلامی، شماره‌ی ۴۳، انتظار فرج ۲، نگارنده.

[۳۷] همان.

[۳۸] همان.

[۳۹] برای روشن شدن برخی ازاین دیدگاه‌ها، ر.ک: در شناخت جذب قاعدین زمان، ع، باقی؛ مجله‌ی تخصصی کلام اسلامی، شماره‌ی ۴۳. مقاله‌ی انتظار فرج ۲، نگارنده.

[۴۰] منهاج السّنه. ج ۱، ص ۱۰و ۲۰ (نقل از آخرین تحوّل، ص ۹۰).

[۴۱] احمدکسروی، بخوانند و داوری کنند، ص ۷۹، ۸۲. (نقل در «انتظار، بذر انقلاب»؛ حسین تاجری، ص ۱۸۶).

[۴۲] مبانی و مفاهیم مارکسیسم، سازمان چریک‌های فدایی خلق تهران، ص ۹۳ (نقل در «انتظار بذر انقلاب»، حسین تاجری، ص ۱۳).

[۴۳] مقام معظم رهبری، انتظار، ش ۲، ص ۳۳ – ۳۵، نقل از رسالت ۲۶/۹/۷۶.

[۴۴] گفتنی است برنامه‌های دراز مدّت، همیشه، مد نظر دشمن بوده است. اخبار سیمای جمهوری اسلامی، شبکه‌ی یک، از «نیویورک تایمز» چنین آورده است: «عرب نسبت به آمریکایی‌ها بد بین هستند بایستی کاری کرد که نسل آینده‌ی آنان نسبت به ماخوش بین گردند.» جمعه ۲۵/۵/۸۱.

[۴۵] پیشگویی‌های نوسترا داموس، تحقیق دکتر شرف الدین اعرجی، مترجم سید یوسف عزیزی، ص ۱۶، (چاپ پنجم).

[۴۶] (Ellch Ow) Nostradamus and the Nazis.

[۴۷] پیشگویی‌های نوسترا داموس، ترجمه و تفسیر پوران فرخ زاد، چاپ اول، زریاب، ص ۱۷۳.

[۴۸] همان، سانتوری ۲، رقم ۳۶.

[۴۹] Provence.

[۵۰] Montpellier.

[۵۱] Toulouse.

[۵۲] Salon.

[۵۳] De Mysterus Agyptorum.

[۵۴] پیشگویی‌های نوسترا داموس، ترجمه و تفسیر پوران فرخ زاد.

[۵۵] همان.

[۵۶] سانتوری ۵ رقم ۵۴، سومین ضد مسیح (پادشاه وحشت) این گونه معرّفی می‌شود: «از ماورای دریای سیاه و «تارتار» بزرگ گرانمردی برخواهد خاست که از کشور فرانسه دیدار خواهد کرد. او دستواره‌ی خونین خویش را در بیزانتیوم به زمین خواهد گذاشت.» این شعر اشاره به سومین ضد مسیح دارد و تفسیر گران، «تارتار» را همان کشور چین دانسته‌اند. ر.ک: پیشگویی‌های نوسترا داموس؛ ترجمه و تفسیر پوران فرخ زاد.

[۵۷] البته در ادامه آمده است «امّا پس آن گاه، دگر باره، جنگ‌ها آغاز می گردد» که به نظر می‌رسد یا اشتباه است و یا مانند برخی اشعار دیگر او پاره‌ای است جدا از شعر پیش، و یا منظور مسئله‌ی دیگری است. به هر حال، قسمت اوّل شعر، بسیار گویا است.

[۵۸] منتخب الأثر، فصل هفتم، باب چهارم، ص ۵۹۲.

[۵۹] پوران فرخ زاد، ترجمه و تفسیر پیشگویی‌های نوسترا داموس.

[۶۰] روز دوشنبه، ممکن است به دلیل روز رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله یا روز عاشورا باشد. و ممکن است روز اتفّاق دیگری هم باشد که مرتبط با ظهور حضرت رخ می‌دهد. (اتّفاق محدثان و سیره نویسان شیعه بر این است که رحلت پیامبر اسلام نیمروز دوشنبه در ۲۸ ماه صفر بوده است و در سیره‌ی ابن هاشم، ج ۲. ص ۶۵۸، هم، به صورت قولی نقل شده است فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام استاد جعفر سبحانی، ص ۵۳۵).

[۶۱] پیشگویی‌های نوسترا داموس، تحلیلی اسلام گرایانه در آینده‌ی تاریخ، ترجمه‌ی یوسف غریزی؛ و ترجمه‌ی عباسعلی براتی.

[۶۲] Rhodes.

[۶۳] پیشگویی‌های نوسترا داموس، دکتر شرف الدین اعرجی، مترجم یوسف غریزی؛ عباسعلی براتی.

[۶۴] Baras.

[۶۵] Lecture.

[۶۶] شهرهای فرانسه، سمبل غرب.

[۶۷] پیشگویی‌هایی نوسترا داموس، ترجمه و تفسیر پوران فرخ زاد.

[۶۸] همان.

[۶۹] Alpe.

[۷۰] Po.

[۷۱] پیشگویی‌های نوسترا داموس، ترجمه و تفسیر پوران فرخ زاد.

[۷۲] برگرفته از پیشگوی‌های نوسترا داموس، تفسیر دکتر شرف الدین اعرجی، ترجمه‌ی عباسعلی براتی، ص ۱۷۲ – ۱۷۱ و ترجمه‌ی یوسف عزیزی، ص ۲۰۷.

[۷۳] پیشگویی‌های نوسترا داموس، تحقیق از دکتر شرف الدین اعرجی، مترجم یوسف عزیزی، ص ۲۰۹ – ۲۰۷.

[۷۴] همان.

[۷۵] پیشگویهای نوسترا داموس، تحقیق دکتر شرف الدین اعرجی، مترجم یوسف عزیزی، ص ۲۰۰.

[۷۶] منتخب الأثر، ص ۳۹۲.

[۷۷] منتخب الأثر، ص ۳۹۱.

[۷۸] Syria.

[۷۹] برگرفته از تفسیر خانم پوران فرخ زاد، در پیشگویهای نوسترا داموس.

[۸۰] به تعبیر امام رحمهٔ ا... علیه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

